**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه ششم\_9 مهر 1398**

آنچه از مجموع شواهدی که اقامه فرموده­اند برای اثبات انسدادی بودن شیخ استفاده می­شود این امور است:

1. این که ایشان مقدمه اول انسداد را که مهم­ترین مقدمه انسداد است بدون بحث جدی رها می کند و میفرماید علی المبنا است.
2. شیخ از یک سو خبر واحد اطمینان بخش را حجت می داند و از سوی دیگر و در جای دیگر اطمینان را نادر الوجود می داند. این دو شاهد در رسائل.

دو شاهد هم از مکاسب:

1. با این که شیخ اعظم برای شهرت حجیتی قائل نیست ولی در مکاسب موارد متععده ایی است که به شهرت تمسک فرموده است. مثلا در مورد اینکه آیا در رهن معاطات هست یا نیست. ج 3 مکاسب ص 94. آنجا یک جمله دارد می گوید اگر کسی من لا یبال مخالفة ما هو المشهور؛ کسی که ابایی ندارد از مخالفت مشهور بلکه اجماع ممکن است این حرف را بزند. معلوم می شود خودشان ابا دارند از این که مخالفت با مشهور کنند. حضرت آقای زنجانی می فرماید این ها قرینه بر انسدادی بودن شیخ است یعنی شیخ می خواهد حجت را از باب ظن مطلق نه از باب ظن خاص بنگرد. هیچ منافاتی هم با رسائل ندارد. ان چه در رسائل نفی کرده است از باب ظن خاص است و ان چه در مکاسب معتقد است از باب ظن مطلق است. این هم شاهد اول از مکاسب.
2. با این که شیخ برای قول لغوی در اصول و رسائل حجیتی قائل نیست در مکاسب که می رسد با قول لغوی معامله حجت می کند از جمله در اول بیع که از مصباح المنیر نقل می کند که البیع هو مبادلة مال بمال.

این دو شاهد از رسائل و دو شاهد هم از مکاسب برای این که اثبات کنیم شیخ انسدادی است.

فکر می کنم توضیح این چند روز به من اجازه می دهد که به ان مطلب اساسی وارد شوم.

عقیده ما این است که ما در بین روش های استنباط سه گروه داریم نه دو گروه. تا الان می گفتند یا انسدادی یا انفتاحی. سه گروه است:

1. انسدادی
2. انفتاحی
3. استنباط اضطراری

مسلک سوم مسلک شیخ است و این نه انسداد است به معنای تمام و نه انفتاح است به معنای تمام. این اسم را از خود شیخ گرفتم رساله عملیه خود شیخ را ملاحظه کنید در اول رسائل عملیه شیخ نوشته است عمل به این رساله از باب اکل میته جایز است. شیخی که همه فقها بعد از او سر سفره احسان او نشسته اند می گوید عمل به این رساله از باب اکل میت جایز است چون ما دسترسی به معصوم نداریم.

برای توضیح این مطلب عرض می کنیم:

1. چنان که عبارت ایشان را خوانید در ص 366 تصریح فرمود که از همه ادله حجیت خبر واحد بیش از حجیت صحیح عند القدما استفاده نمی شود. آنی که مفید وثوق و اطمینان شخصی باشد.

انفتاحیون بر دو قسم اند؛ یک عده می گویند فقط به خبر ثقه عمل می کنیم. گروه دوم می گویند خبر ثقه یا موثوق الصدور ولی هرگز نمی گویند فقط خبر موثوق الصدور . پس هر کس که گفت من فقط دنبال وثوق به صدور ام تا وثوق شخصی برایم نیاید، روایت را ولو صحیحة السند باشد فتوا نمی دهم.

این آقا را دیگر اسمش را انفتاحی نگذارید. پس نمی توانید تعریف انفتاحی را بر آقای شیخ انطباق داد.

1. اگر معنای انسدادی این باشد که ما در فقهمان باید دنبال ظن خاص باشیم و اگر نبود ظن مطلق و ظن مطلق، مطلقا حجت است برای انسدادی.

اگر معنای انسدادی این باشد که ظاهرا هم همین است شیخ اعظم این انسدادی نیست. درست است که شیخ اعظم برای ظن مطلق جایگاه قائل است اما نه ان گونه که انسدادی قائل است. انفتاحی به معنای دقیق کلمه چیزی به نام ظن مطلق نمی شناسد و انسدادی ظن مطلق را حجت می داند. اما شیخ اعظم در رسائل اجماع منقول و حجت و قول لغوی را کنار زده است و این ها را حجت نمی داند اما این نیست که بگوید این ها را اصلا بگذار کنار.

ضمیمه این دو مقدمه این است که شیخ نه انفتاحی به معنای دقیق کلمه است و نه انسدادی.

حال من در مورد آن شاهدی که در رسائل بود دیروز توضیح دادم، این شاهد مکاسب را چطور باید حل کرد، بحث شهرت که آقای زنجانی به جهت تمسک شیخ در مکاسب به شهرت می خواهد بگوید انسدادی است.

من عرض می کنم شهرت انی جایگاه ها را می تواند داشته باشد:

1. شهرت به عنوان ظن خاص، یعنی هم چنان که دلیل دارید بر حجیت خبر واحد دلیل دارید بر حجیت شهرت. این چنین چیزی است که قطعا شیخ نفی کرده است و از ساحت کتاب های شیخ دور است.
2. شهرت به عنوان ظن مطلق؛ یعنی دلیل باشد ولی به تنهای دلیل باشد ولو هیچ دلیل دیگری نباشد. من مصرم که یک نمونه پیدا نمی کنید که شیخ به عنوان ظن مطلق سراغ شهره رفته باشد.
3. شهرت به عنوان مرجح؛ دو تا قول احتمالش هست یک قول مشهور تر است؛ دو روایت داریم یکی مشهور تر است. یعنی شهرت را در جایگاه مرجح قرار می دهیم. که از بحث ما خارج است.
4. شهرت را مراجعه کنید به عنوان مانع، یعنی انسان یک حرفی را علی القاعده می خواهد بزند و حرف درستی هم هست اما فتوا بهش نمی دهد نهایتا ممکن است احتیاط بکند. این جا شهرت را دلیل قرار نمی دهیم. مانع کار ما می شود این علامت انسدادی بودن نیست. کما این که اگر به عنوان مرجح برود سراغش علامت انسدادی بودن نیست.

اگر شهرت را مانع فتوا دادنش دید، این شخص انسدادی نیست. انسدادی کسی است که شهرت را دلیل بگیرد نه این که مانع قرار دهد.

1. شهرت به عنوان موید، شاهد یا قرینه نه شهرت به عنوان دلیل. شهرت که دیگر صفر نیست یک نمره ایی دارد این را یک موید قرار دهد. این را بیاید در کنار ادله دیگر. همان کسی که میگوید روایت ضعیفه با عمل اصحاب جبران می شود این می شود موید دیگر.

بالاتر این که شیخ خیلی از روایات دارد که اجماع را هم با این ترکیب می کند ج3 ص 56 را مراجعه کنید. اجماع منقول یعضده الشهرة المحققه. نه این که دلیل باشد.

این جا شیخ نیامده است شهرت را به عنوان دلیل قرار بدهد که بگوید با حرف در رسائل منافات دارد.

یک عبارت دارد در جلد 5ص 334: می گوید این شهرتی را که من می گویم شهرت قدمائی است نه شهرت متاخرین ان هم تازه مستند نداشته باشد اگر هم بخواهد حجیت داشته باشد و ان قلنا بحجیة الشهرت از باب مطلق الظن اگر هم بگوییم شهرت قدما را می گوییم شهرت غیر مستند را می گوییم.

شما اگر مکاسب شیخ من الاول الی الآخر بنگرید شیخ اعظم در مسائلی که جای بحث و ان قلت دارد معمولا با یک دلیل کار را تمام نمی کند، سراغ کلمات فقها، اجماع منقول می رود و همه این ها برای این است که جمع بین قرائن بکند تا بتواند فتوا بدهد.

در مورد لغت، ایشان ص 175 همین جلد اول رسائل؛ تصریح می کند که می شود به لغت مراجعه کرد حتی اگر شرائط شهادت هم نباشد سه وجه بیان می کند یکیش انسداد است. یعنی سه جایگاه برای قول لغوی معیّن می کند یکیش انسداد است و دو تای دیگر انسداد نیست. انی نیست که کسی که از لغوی حرف نقل کرد به او بگوییم انسدادی هست. خود شیخ می گوید ما دو جا داریم که می شود مراجعه کرد به کلمات لغویین

پس به محضر مبارک ایشان عرض می کنیم نه تمسک به شهرت و نه تمسک به لغت دلیل بر انسدادی بودن شیخ است.

شیخ می گوید من در زمانی زندگی می کنم که آن قرائنی که دست قدما بود دست من نیست. من الان در محضر امام نیستم که این سخن امام را بشنوم. نقل با واسطه شده است. ان قرائنی هم که دست قدما بود دست من نیست. ان ها خیلی زودتر من شیخ انصاری وثوق به صدور پیدا می کردند . من به این زودی نمی توانم وثوق به صدور پیدا کنم. اطمینان پیدا کنم که هذا حکم الله. من در معظم فقه نمی توانم اطمینان پیدا کنم که هذا حکم الله. بله با جمع بین قرائن و تبین شواهد می توانم اطمینان پیدا کنم به این که این تکلیف من حاصل شده است و برائت ذمه حاصل شده است و بعد هم تصریح می کند که خدا به من کمک کند که به اجتهاد برسیم الذی هو اشد من طول الجهات . که بتوانیم با این قرائن اوردن و این شاهد اوردن یک مقدار خودمان را هم عصر علما گذشته قرار بدهیم تا بتوانیم قرائن حالیه و مقالیه و امثال ذلک را بدست اوریم تا برائت ذمه حاصل شود. ما که از زمان معصوم دور هستیم نهایتا بگوییم حجت بر ما تمام شده است.

لذا اگر به شیخ بگویید اجازه می دهید با دیدن یک روایت صحیحه قطعی و تام الدلالة فتوا دهم؟ می گوید نه باید سخن گذشتگان را ببینید . این است شیوه شیخ و ما ان شاء الله در جلسات آینده که خودمان می خواهیم مقدمه اول را توضیح بدهیم می رسیم در اخر به همین مسلک که نه انسداد است به معنای تام کلمه و نه انفتاح به معنای تام کلمه.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.